

پازل خاورمیانه و دولت جدید آمریکا

استراتژی آمریکا در منطقه حفظ امنیت مطلق اسرائیل است، لذا سعی می‌کنند به هیچ نیروی غیروابسته به آمریکا در آنجا اجازه حضور ندهند. یعنی اولویت امنیت مطلق اسرائیل بر همه استراتژی‌ها و همه منافع یک و دوجانبه آمریکا در این منطقه. این آثار وسیع‌تر انعکاس منفی در روابط عراق با آمریکا هم خواهد داشت. <br#۴۷>

به گزارش سایت خبری پرسون، دولت جدید آمریکا در چند هفته‌ای که بر سر کار آمده، نشانه‌هایی از اولویت‌ها و رویکردهایش در قبال سیاست خارجی و مشخصا سیاست خاورمیانه‌اش دیده شده است. درحالی‌که جنگ یمن به سمت پایان می‌رود، حمله جدیدی به سوریه می‌شود. رفتار سردی که دولت بایدن با عربستان و اسرائیل داشته، درخور توجه است و درعین‌حال، در بحث ایران هم گام‌چندانی برداشته نشده است. عراق همچنان هم با بحران‌های سیاسی و هم با تنش‌ها بین بازیگران منطقه مواجه است و قطر و عمان نیز به دنبال تلاش برای کاهش و مهار این تنش‌ها هستند.

برای بررسی این نشانه‌ها و رفتارهای بازیگران منطقه، گفت‌وگویی داشتیم با صباح زنگنه، کارشناس مسائل منطقه. به روایت زنگنه، دولت جدید در بحث سوریه و عراق کم‌وبیش راهبردهای پیشین را ادامه داده است. از نگاه او، آمریکا در رابطه با اسرائیل و عربستان چک‌های سفید را پس خواهد گرفت و مثلا به دنبال پایان‌دادن به مسئله یمن است، اما همچنان اهمیت روابط با این دو و جایگاه آن‌ها به‌خصوص در مقابل ایران برقرار است. این کارشناس مسائل منطقه معتقد است در بحث ایران، آمریکا فعلا شعارهای خوبی داده است، اما هنوز اقدام عملی و جدیتی نشان نداده است.

هفته گذشته آمریکایی‌ها به بخشی از خاک سوریه حمله کردند که اولین اقدام نظامی دولت بایدن بود. این حمله چه هدفی داشت و آن را چطور تحلیل می‌کنید؟

به نظر می‌آید این اقدام، یک اقدام اشتباه دیگر است که آمریکایی‌ها مرتکب شده‌اند و بر اشتباهات گذشته اوباما و ترامپ اضافه خواهد شد. فضای میدانی عراق تحت تصرف نیروهای گوناگونی است و نمی‌شود هر فعلی را و هر موشک‌بارانی و حمله‌ای را نسبت داد به گروه‌های شیعه یا نیروهای طرفدار ایران.

در شمال عراق و حالا هم اقلیم کردستان و هم نینوا همه نوع نیروهای مسلح وجود دارند، از جمله نیروهای نظامی ترک و ارتش ترکیه ۵۰ کیلومتر داخل خاک عراق شده‌اند. ده‌ها گروه وابسته تأسیس کرده‌اند و پروکسی‌های ترک در شمال عراق متعدّدند. از طرف دیگر پک‌ک حضور دارد. اسرائیلی‌ها ارتباطات امنیتی در این منطقه دارند.

گروه‌های کرد مخالف ایران آنجا فعالیت می‌کنند. جریان داعش حضور دارد. بعثی‌ها و نقش‌بندی‌ها که همکار و همراهشان هستند حضور دارند؛ بنابراین یک ملغمه‌ای از همه این نیروها آنجاست. در این معجون مختلف و متضاد نیروها اگر اتفاقی بیفتد کدام‌یک از این نیروها باید متهم شوند؟ این نیازمند بررسی اطلاعاتی و عملکردی است.

آمریکا در این منطقه همواره به دنبال تقابل با حشدالشعبی است که به‌هرحال تشکیلات نظامی رسمی تحت فرماندهی دولت است. آمریکا سعی کرده و می‌کند که با هر بهانه‌ای به مراکز حشدالشعبی حمله کند.

به لحاظ استراتژیک این منطقه و حضور حشدالشعبی در مرز عراق و سوریه از چند نظر اهمیت دارد. یک مقابله و مقاومت در برابر نفوذ داعش از بخشی از خاک سوریه به عراق، ایجاد امنیت برای مسیر ترانزیت عراق به سوریه. چند ماه قبل این مرز به طور رسمی افتتاح شد. حالا آمریکا می‌آید و نیروهایی را که مدافع مرز عراق هستند، می‌زند.

استراتژی آمریکا در آن منطقه حفظ امنیت مطلق اسرائیل است، لذا سعی می‌کنند به هیچ نیروی غیروابسته به آمریکا در آنجا اجازه حضور ندهند. یعنی اولویت امنیت مطلق اسرائیل بر همه استراتژی‌ها و همه منافع یک و دوجانبه آمریکا در این منطقه. این آثار وسیع‌تر انعکاس منفی در روابط عراق با آمریکا هم خواهد داشت.

برداشتی که از این حمله درباره رویکرد آمریکایی بایدن به سوریه می‌شود چیست؟ آیا بناست سیاست متفاوتی پی گرفته شود و آمریکا نقش فعال‌تری داشته باشد؟

با وجود اینکه سوریه به لحاظ تفاهم نانوشته بین آمریکا و روسیه در حمایت و جرگه روسیه تقسیم‌بندی می‌شود، اما آمریکا به این راضی نیست و سعی می‌کند در سوریه هم سهم داشته باشد. سهم‌داشتن در خاک سوریه چند هدف را تعقیب می‌کند. اولاً از ادامه حضور داعش در آن منطقه حمایت خواهد کرد. از ابزار کردهای سوریه استفاده خواهد کرد علیه دولت مرکزی سوریه.

از مناطق نفت‌خیز و حاصلخیز سوریه در شرق استفاده خواهد کرد و با ادامه این نوع تنش‌ها عملا منطقه را برای کشورهای عراق و سوریه غیرقابل‌کنترل

نگه خواهد داشت و باز هم در نهایت در چانه‌زنی با روسیه از این استفاده خواهد کرد. در حمایت از اسرائیل هم که هدف نهایی است سعی می‌کند پازل گروه‌های مختلف را در این منطقه بچیند. این وضعیت ادامه دارد و باید منتظر شد دولت سوریه و روسیه چه زمانی به این پایان خواهند داد.

این هفته وزیر خارجه عراق به ایران سفر کرد. به نظر شما در این سفر چه اهدافی دنبال شد؟

روابط دو کشور روابط گسترده و متنوعی است و قطعاً نیاز به پیگیری و رایزنی مستمر دارد. متغیرهایی که وجود دارد و روی این سفر تأثیر داشته، یکی بحث انتخاب آقای بایدن به جای آقای ترامپ و سیاست‌هایی است که او ممکن است نسبت به منطقه و ایران و عراق داشته باشد.

از طرف دیگر سفر قبلی وزیر خارجه عراق در پی حوادثی بود که در عراق اتفاق افتاد و حمله‌ای که به پادگان آمریکایی‌ها به وقوع پیوست. این حملات بعضاً به گروه‌های مسلح مخالف حضور آمریکایی‌ها در عراق نسبت داده شد، گرچه گروه خاص و مشخصی مسئولیت آن‌ها را نپذیرفت. آمریکایی‌ها تهدیدهایی کردند که ممکن است عاملان را تحت تعقیب قرار دهند یا مجازات کنند.

از طرف دیگر، بدهی عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران درباره صادرات گاز و برق مسئله‌ای است که سال‌های سال به ویژه در دوران ریاست‌جمهوری آقای ترامپ لاینحل مانده و بهانه این بود که آمریکا اجازه نمی‌دهد که این بدهی‌ها به دلار پرداخت شود. پرداخت دینار عراقی هم عملاً بی‌مصرف خواهد بود چراکه ارز عراق ارز بین‌المللی دارای مصرف‌کننده نیست و به غیر از داخل عراق و نهایتاً مناطق مرزی استفاده‌ای ندارد و نمی‌تواند حجم بدهی عراق را پوشش دهد. حتماً باید دولت عراق راهی برای این منظور پیدا کند و از قطع گاز و برق ایران به عراق جلوگیری کند.

بحث دیگر، سفری است که آقای فؤاد حسین به عربستان داشته. احتمالش هست که پیام‌هایی از سوی عربستان مطرح باشد. این ردوبدل کردن پیام‌ها بین عربستان و عراق با محوریت ایران هم سابقه داشته است و شهید سلیمانی هم عملاً قرار بوده که پاسخ پیام عربستان را به نخست‌وزیر عراق بدهد که آن جنایت بزرگ در حقیقت توسط ترامپ انجام شد و فضای دو کشور را متشنج کرد.

سفر آقای رئیسی به عراق را داشتیم که پیگیر بحث صدور رأی دادگاه‌های عراق نسبت به دستوردهندگان و عاملان جنایت به شهادت‌رساندن سردار سلیمانی بود.

توافقی‌هایی که صورت گرفت در این زمینه و بحث این شد که مجازات عاملان این جنایت چگونه خواهد بود. سخن کلی این بود که مردم عراق خود به فکر انتقام به خاطر خون شهیدان هستند. از طرف دیگر خروج نیروهای خارجی اعم از آمریکایی و ناتو از عراق یکی از راه‌های پاسخ به بحث انتقام از این جنایت می‌توانست تلقی بشود. مصوبه پارلمان عراق هم وجود دارد که دولت عراق باید در مذاکره با مقامات آمریکایی در خروج این نیروها تسریع و زمان‌بندی مشخص کند که هنوز چیزی مشخص نشده است. خب بحث‌ها خیلی زیاد است که باید بین دو کشور درباره‌شان مذاکره شود.

در سایه اتفاقات اخیر بحث انتخابات عراق در چه وضعیتی است؟

بحث انتخابات در عراق بحث مفصلی است. وعده‌ای که داده شده بود بعد از تظاهرات سال گذشته این بود که باید انتخابات زودهنگام برگزار شود. با این وعده دولت آقای عادل عبدالمهدی کنار رفت، هم با فشار تظاهرات و هم با فشار سازمان‌های مردم‌نهاد تحت هدایت آمریکا این اتفاق افتاد و دولتی بر سر کار آمد که وعده برگزاری انتخابات زودهنگام را بتواند محقق کند. تاریخی هم اعلام کرد. به نظر می‌رسد که تاریخ با محاسبات کاملی اعلام نشده بود، اما تلاش می‌شد با دادن این وعده، آرامشی در سطح سیاسی عراق ایجاد شود.

اما این انتخابات با مشکلات متعددی روبه‌رو است. اولاً قانون انتخابات باید تصویب و تغییرات اعمال شود. قرار بود وضعیت نظارت هیئت نظارت بر انتخابات مشخص شود. تعدادی از قضات برای بحث نظارت بر انتخابات مشخص شدند. ولی مشکل دیگری در قوه قضائیه عراق وجود دارد و آن اینکه تعداد قضات دیوان عالی کم است. یک نفر به سن بازنشستگی رسید و این یک نفر جایگزین نشده بود.

بدون داشتن تعداد رسمی و حد نصاب برای انتخاب قضات ناظر بر انتخابات، کل انتخابات زیر سؤال می‌رود و از طرف دیگر تأمین بودجه هم دچار مشکل است. همین‌طور آماده‌سازی فضای عمومی. تقسیم‌بندی مناطق و اینکه هرکدام چند نماینده داشته باشند مطرح است. تداخل این مناطق به لحاظ حدود اداری مطرح است. این مشکلات وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. تهیه بودجه لازم با توجه به مشکلاتی که در کاهش قیمت نفت سال گذشته رخ داد به مشکل خورد. در حدی که دولت با ارائه درخواست استقراض داخلی و خارجی به پارلمان کشیده شد و خود این در فضای سیاسی تأثیرگذار است.

سرنوشت زمان انتخابات متأثر از همه این عوامل است؛ بنابراین یکی، دو بار این تاریخ به تأخیر خورد و احتمالاً زمان انتخابات به همان موعد قبلی می‌افتد، یعنی با اتمام دوره فعلی محقق خواهد شد؛ از این‌رو شعار انتخابات زودهنگام شعاری شد که دارای مصرف مقطعی بوده و دولت فعلی بهره‌اش را برده.

اختلافات بین اقلیم و دولت مرکزی بر سر استرداد پول نفت صادرشده از اقلیم کردستان و استرداد اموال تحصیل‌شده از گمرکات و عوارض و مالیات ورود کالا از خارج به اقلیم هم ادامه دارد. همچنین مسئله تأسیس احزاب جدید هم هست، به‌ویژه احزابی از جمعیت جوانانی که تظاهرکننده در سال گذشته بودند. این هم عنصر جدیدی در بافت سنتی احزاب موجود ایجاد خواهد کرد و طبعاً منتخبان جدیدی را ممکن است شاهد باشیم و این ایجاد فراکسیون بزرگی را که بتواند نخست‌وزیر معرفی کند، با مشکل مواجه خواهد کرد. ادعاهای آقای مقتدی صدر بر اینکه نخست‌وزیر آینده باید توسط فراکسیون زیر نظر و پیرو ایشان معرفی بشوند هم مسئله دیگری است.

سفر پاپ به عراق برای دیدار با آیت‌الله سیستانی چه پیامدهایی دارد؟

سفر پاپ به کشورها معمولاً به دنبال تحقق اهداف خاصی صورت می‌گیرد. عراق اقلیت نسبتاً بزرگی از مسیحیان را داشته و دارد. حتی امپراتوری‌هایی هم در عراق قبل و بعد از ظهور مسیحیت بوده‌اند، از آشوری‌ها و دیگر امپراتوری‌ها یا حکومت‌ها که بعد مسیحیت در آنجاها مستقر شده. جمعیت مسیحی‌ها به تدریج کاهش پیدا کرده و عده زیادی مسلمان شده‌اند، ولی همچنان آثار قدیمی و کلیساهای قدیمی مسیحیت در عراق وجود دارد. گرچه مسیحیان عراق اکثرشان به مذهب کاتولیک تعلق دارند، اما از سایر فرق مذهبی هم حضور دارند.

در دوران هجوم داعش عملاً استان‌های مسیحی‌نشین و ایزدی و شیعه‌نشین بیشترین ضربات را دیدند و بیشترین قربانی‌ها را دادند. کلیساهای تخریب شدند و حسینیه‌ها و معابد ایزدی‌ها هم تخریب شد و مردان و زنان مسیحی زیادی هم آواره اسارت شدند؛ بنابراین یکی از اهداف این سفر می‌تواند ترمیم این ضربه‌های اجتماعی و روحی باشد که بر مسیحیان عراق وارد شده. تعداد زیادی از باقی‌مانده‌ها مهاجرت کرده‌اند، بنابراین با کاهش تعداد مسیحیان مقیم روبه‌رو هستیم. به احتمال زیاد این سفر تا حدودی اطمینان خاطر را فراهم خواهد کرد که برگردند.

برخی از اماکن و معابد و موقوفات مسیحیان مصادره شده است، چه توسط داعش چه گروه‌ها و احزاب متنفذ. تحت تأثیر این سفر احتمالاً برای این موقوفات فکری شده و تدبیری اندیشیده خواهد شد. بازدید از کلیساهای نینوا، اربیل و بغداد جزء مقاطع مهم سفر است.

بالاترین مقطع هم دیدار با آیت‌الله سیستانی است. برای پاپ در میان مسیحیان عراق و مسیحیان عالم این سفر اهمیت دارد، اما ملاقات با آیت‌الله سیستانی که مورد احترام مسلمانان، مسیحیان، صابئی‌ها، مندایی‌ها و همه قومیت‌های مختلف، عرب، ترک، کرد و دیگران است، برای پاپ موهبتی است و حضور در نجف که مکان مقدسی است، مرقد حضرت علی ابن ابی‌طالب است و بنا به روایات حضرت آدم و حضرت نوح هم آنجا دفن شده‌اند و برای مسیحیت هم بسیار حائز اهمیت و اعتبار است. خود مذاکره با آیت‌الله سیستانی می‌تواند به تقویت بحث همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه عراق کمک کند.

در مسئله یمن دولت آمریکا به دنبال چیست؟ آنجا از ادامه حمایت از جنگ عقب کشیده‌اند و حتی صحبت از درخواست کمک از ایران شده است.

به نظر من، حل‌کردن بحران یمن دو هدف را دنبال می‌کند؛ یکی بی‌اعتباری تسلیحات آمریکا در یمن را کم‌کم از افکار عمومی خارج کنند. همه متوجه شدند که چقدر این تسلیحات آمریکایی بی‌نتیجه بوده است. از طرف دیگر جریان جنگ در یمن، به ضرر عربستان تمام می‌شود. یعنی به جای اینکه با پیروزی و موفقیت جلو برود، عملاً جنگ دارد به داخل خاک عربستان کشیده می‌شود و ناامنی‌هایی که در خاک عربستان به وجود می‌آید، طبعاً به بی‌ثباتی و ناامنی نظام حاکم بر عربستان منجر خواهد شد و ممکن است از هم فروپاشد.

وقتی شهرها و فرودگاه‌ها و تأسیسات مورد حمله قرار گیرد، باید حاکمانی که ماجرا را شروع کردند، جنگ را فراموش کنند و خودشان را نجات بدهند. آمریکا تلاش می‌کند به این وضعیت پایان بدهد و از آن کسب امتیاز کند. حالا اینکه تسلیحات به عربستان فروخته شود یا نه، به نظر من این هم مانوری است. عربستان همچنان گاو شیردهی برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکاست. سلاح تهاجمی ندهند، سلاح‌های دیگر دفاعی، ضدهوایی، ضدموشکی و از این نوع خواهند فروخت.

وضعیت نابهنجار انسانی هم در یمن روزبه‌روز بدتر شده و می‌شود و این به نیمه‌اعتباری که آمریکایی‌ها داشتند و دارند، ضربه خواهد زد. باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشد؛ لذا به نظر می‌آید آمریکا به دنبال کسب امتیاز سیاسی در این جنگ است.

ما به‌عنوان یک انسان و یک ایرانی استقبال می‌کنیم که هرچه زودتر رنج‌های مردم یمن تمام شود، محاصره و جنگ تمام شود، بازسازی شود و...، اما این مردم یمن هستند که ایستاده‌اند و تا به اهدافشان نرسند، طبعاً مقاومت خواهند کرد. فضای میدانی هم الان بیشتر به نفع انصارالله است. مأرب اگر به دست انصارالله بیفتد عملاً چیزی از یمن باقی نمی‌ماند که عربستان یا امارات یا آمریکا بخواهد به دست بگیرد یا مدعی داشتن دولت مستعفی شود.

در عین حال ما شاهد رفتارهای جدیدی از سوی دولت آمریکا در قبال رقبای اصلی ایران در منطقه یعنی اسرائیل و عربستان هستیم. تماس با نتانیاهو به شکل بی‌سابقه‌ای به تأخیر می‌افتد و در نهایت در آن تماس هم باید تصمیم‌ش در قبال ایران را که ساعتی بعد اعلام شد، به نتانیاهو خبر نمی‌دهد. درباره بن‌سلمان هم که گفته‌اند طرف حسابشان نیست و با ملک سلمان طرف هستند. برخی می‌گویند آمریکا قصد دارد به‌خصوص بعد از رویکرد چهارساله ترامپ، با هدف اینکه دینامیک قدرت در منطقه را کمی به سمت توازن و تعادل ببرد، هم‌زمان با پیگیری تعامل با ایران چک‌های سفیدی را که در این زمینه علیه ایران داده بود، پس بگیرد. شما این روند را چگونه می‌بینید؟

این معادله غیرمتعادلی است و به نظر می‌آید تا آمریکا رویه کلی‌اش را عوض نکند در منطقه و به سبک دیگری رفتار نکند، همچنان شاهد این مناقشات خواهیم بود و کمکی به رفع‌و‌رجوع روابط نخواهد کرد. به نظر من آمریکا در حالتی از خلأ به سر می‌برد و می‌تواند تصمیم‌گیری کند. حالا باید منتظر شد و دید چقدر تیم جدید آقای بایدن بتواند از مسائل گذشته خارج شود و جغرافیای جدید را از نو بخواند و به تعلل و تأمل نگذراند.

البته چک سفیدی را که داده شده بود، ممکن است حالا پس بگیرند و به چک وعده‌دار تبدیلش کنند. اما روابط با این دو رژیم تغییر عمده‌ای پیدا نخواهد کرد. البته آمریکایی‌ها منتظر هستند که طبق روال قبلی از ایران هم دود سفیدی دیده شود. اما در گذشته سه هدف اصلی از روابط با عربستان داشتند که این سه هدف همچنان هستند در عین حال مقداری کاهش پیدا کرده‌اند. درست است که به نفت عربستان نیاز ندارند و به‌نوعی خودکفایی در نفت رسیده‌اند، ولی همچنان به نقش عربستان در کنترل قیمت نفت نیازمند هستند.

از جهت دیگر برای فروش تسلیحات یا محصولات نیاز دارند به بازار عربستان. به چنین بازاری که بدون حساب و کتاب خرید می‌کند، احتیاج دارند و خب اخیراً هم به دنبال این هستند که بتوانند با همکاری این دو رژیم ایران را کنترل کنند؛ بنابراین عربستان را از دست نخواهند داد، ولی سعی می‌کنند

کنترلش کنند و کنترل شده‌تر عمل کند که فجایعی مثل حمله به یمن تکرار نشود.

این نکته مهمی است. آمریکا می‌خواهد کسی از این حاکمان صدام‌گونه رفتار نکند، صدام جدای از حمله به ایران وقتی به کویت حمله کرد، از خط قرمزشان خارج شد. آمریکا از بن‌سلمان یا امثال او در عربستان می‌خواهد که دست به اقدامات این‌چنینی نزنند. رژیم اسرائیل هم اولویت امنیتش بر همه چیز مقدم است. اما خواسته‌های زیاد و دستورهای زیاد مقامات اسرائیلی هم برای آمریکایی‌ها خسته‌کننده شده. در نظر بگیرید یک نخست‌وزیر وارد شود و در پارلمان یک کشور علیه سیاست آن کشور حرف بزند و حمله کند. خب این چه متحدی است؟ تا کی چنین متحدی را تحمل کنند؟ خیلی کار بدی بود و اغلب مؤسسات مطالعاتی آمریکا را متفر کرد از این رفتار. باید کنترل شود.

وعده بازگشت جولان به سوریه داده می‌شود که معلوم نیست کی محقق می‌شود. شعاری داده شد و ممکن است این کار کمک کند به اینکه اسرائیل به زمین‌خواری بیشتر در فلسطین نپردازد، اما تغییر بیشتر از این شاهد نخواهیم بود.

قطر و عمان در این بین به دنبال این رفته‌اند که وساطت و تلاش کنند گفتگو و میانجیگری بین طرف‌های دعوا در منطقه برقرار کنند. رویکرد آن‌ها را چطور می‌بینید؟

برای قطر و عمان موقعیت مهمی است. قطر همچنان نگران رفتارهای سلطه‌گرانه و اشغالگرانه عربستان است؛ لذا باید متحدی در منطقه مثل ایران و ترکیه داشته باشد و متحدی بین‌المللی مثل آمریکا که در سیاست‌های کلی بتواند حمایت کند. این وضعیت برای قطر مهم است که با اتخاذ سیاست‌های مذاکره و گفتگو بتواند بحران‌های منطقه را کاهش دهد.

به هر ترتیب هر اتفاقی که بیفتد، بین ایران و عربستان یا بین ایران و آمریکا می‌تواند برای کل انرژی منطقه آثار منفی بر جای بگذارد؛ بنابراین این هم از منافع قطر خواهد بود که بتواند به گفت‌وگوی بین ایران و آمریکا کمک کند و به گفت‌وگوی ایران و عربستان کمک کند. همین وضعیت برای عمان هم مطرح است، گرچه مقداری خارج از خلیج فارس راه دارد به اقیانوس و آب‌های آزاد، اما هر نوع ناامنی در آن منطقه بر او هم آثار سوئی خواهد گذشت.

در مجموع فکر می‌کنید با آمدن دولت جدید آمریکا، چه چشم‌اندازی پیش‌روی منطقه و مسائل پیش‌روی ایران و آمریکا در منطقه است.

شعار که فعلا خوب دارند می‌دهند، باید منتظر شویم اقدام‌های عملی و جدیتی در کار ببینیم. هنوز نسبت به برجام شاهد تحول اساسی نیستیم. درست است که شخص دیگری در آمریکا رئیس‌جمهور شده، اما ما آمریکا را به‌عنوان کشور و دولت می‌شناسیم. رئیس‌جمهور عوض می‌شود، اما تعهدات دولت فارغ از حزب و رئیس‌جمهور است. این تعهدات چهار سال در دوران ترامپ اجرا نشد، قبل از ترامپ هم عملاً کاری انجام نشد.

باید دید کشوری که چهار سال عقب مانده از درس و بحثش و انجام وظایفش، چگونه می‌خواهد بدون تحقق آن وعده‌ها و تعهدات برگردد بر سر همان میز و همان سمت بنشیند. گفته بود «که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی» واقعا در برون چقدر به تعهداتشان عمل کردند؟ به هر حال کشور هم با همین اوضاع و احوال خودش را اداره خواهد کرد، حالا دیرتر یا زودتر. در تنظیم روابط آینده اگر روزی روزگاری مسیر باز شد، بی‌تأثیر نخواهد بود. عملاً کل جامعه را، کل مردم را در یک شکنجه و عذاب و رنج گذاشتند و این از ذهن مردم خارج نخواهد شد.

منبع: شرق